



شمسی فضل‌اللهی از بازیگران تئاتر در قیل و بعد از انقلاب اسلامی است. او در گروه‌های تئاتری آن‌اهیتا و گروه تئاتر امروز فعالیت داشته است و در نمایش‌هایی چون اتوبوسی به نام هوس، آهن، گلدسته، اوژنی گران و ... بازی داشته است پس از ازدواج چند سالی تئاتر را می‌کند و سپس به صحنه باز می‌گردد، در فاصله سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ در رادیو نیز فعالیت داشته است.

چطور شد که در نمایش بینوایان حضور پیدا کردید؟

در فیلم بانای چاو بازی می‌کردم و شنیده بودم که قرار است بینوایان کار شود، خوشحال بودم که این اتفاق افتاده است و شاید باین نوع اجراها بتوان جامعه از هم گسیخته تئاتر را به هم پیوند داد. مهم کار تئاتر است. حالا توسط مرکز رومی، به هر حال آقای غریب پور از من دعوت به همکاری کردند، وقتی حضور پیدا کردم، ظاهراً نقش‌های محوری تر تقسیم شده بود و این را آقای غریب پور به من توضیح دادند. کفتم تئاتر را با حضور در تئاتر معنی می‌کنم، نه بزرگی و کوچکی نقش.

کچه نقشی را بازی می‌کنید؟



همانطور که اشاره کردم، چند نقش مختلف بازی می‌کنم، تمام زن‌هایی که نکامی مهربان و حرکت خیرخواهانه برای ژال وال ژان و فاننتین و کوژت و بینوایان دارند. من تیپ‌هایی از این نوع زن‌ها را بازی می‌کنم.

ابعاد مختلف این نقش‌ها را چگونه به تماشاگر منتقل می‌کنید؟

در همه این نقش‌ها قرار نیست تغییرات خیلی بزرگی وجود داشته باشد و این نقش‌ها خیلی مطرح نیستند، ماهیت این افراد را قرار است من بازی کنم و نه چهره‌ها و فیزیک آنها.

یعنی صدای شما تسلط دارد بر این نقش‌ها؟

خیر، نقش‌های مختلف را سعی کردم در قالب خودشان اجرا کنم، و صدایم تغییراتی برای هر نقش دارد.

در حال حاضر چه احساسی دارید از اجرای این نمایش، با توجه به اینکه چند سالی است کار صحنه‌ای نکرده‌اید؟

من از تئاتر جدا نبوده‌ام و نیستم. در حال حاضر عضو گروه تئاتر رادیو هستم و البته نوع تئاتر در رادیو و صحنه فرق می‌کند. شاید در رادیو نوع میزانش در صدای هنرپیشه باشد یکسری تئاترهای تلویزیونی هم کار کرده‌ام یا سریال‌هایی که بیشتر تئاتری هستند. مثل امیرکبیر - عطر گل یاس، خوب یک سری دلهره‌ها وجود دارد که مربوط به همه بازیگران تئاتر است و همه تمرین‌ها و وقت اجرا محک می‌خورند.

تدریس رادیویی صدا حرف اول و آخر را می‌زند، آیا در این نقش‌ها هم با صدا می‌خواهید حرف اول و آخر را بزنید؟

نه اینطور نیست، من رادیو و تئاتر رادیویی را نیز جدا از تئاتر نمی‌بینم، من هنر آموز بسیاری از گروه‌ها بوده‌ام. از گروه تئاتر آن‌اهیتا شروع کردم و همیشه بین صدا و حرکت و حس یک تعادلی را می‌بینم، من اضطراب این راندارم که صدا را حاکم کنم، حتی در رادیو تمام حس من در اختیار کار بازیگری ام بوده است.

شما هم مثل دوستان دیگر در گروه آن‌اهیتا با سیستم استانیسلاوسکی کار کرده‌اید؟

با آن‌اهیتا، الفبای هنرپیشگی را کار کردیم. خود استانیسلاوسکی هم می‌گوید: این نوع سیستم می‌تواند الفبای بازیگری را یاد بدهد، بقیه اش با هنرپیشه است و کارگردان، به عبارتی بازیگری آموخته شده را می‌شود در سیستم‌های متفاوتی عرضه کرد.

اگر امکانات مالی برای اجرای یک تئاتر وجود نداشته باشد، باز هم کار تئاتر می‌کنید؟

بازیگران محوری این گروه همه حرفه‌ای هستند و حتی در نمایش‌هایی کار کرده‌اند که دستمزد هم نگرفته‌اند، اما مشکلات اقتصادی نمی‌گذارد که از سینما و تلویزیون دور بشویم واقعاً اگر مشکلات زندگی نبود و مجبور نمی‌شدیم مرکز از صحنه تئاتر دور باشیم، در مورد تئاتر اما یک قانون ظالمانه وجود دارد، هر کس در هر حرفه‌ای می‌تواند پول در بیاورد الا در تئاتر، در زمانه‌ای که هنوز دانشکده‌های تئاتری نبود و این آرامش خاطر در جو عمومی خانواده، حتی خود من بخاطر مخالفت خانواده‌ام نمی‌توانستم تئاتر کار کنم، ما به هر حال کار کردیم، اگر قرار باشد این همه زحمت و تلاش و رنج هنر پیشه به هدر برود و درآمدی نداشته باشد، اینکار بیهوده‌ای است شاید اگر امکان مالی در این گروه نبود من نمی‌آمدم، حداقل برای گذران معمولی زندگی ما باید درآمدی داشته باشیم.

تأثیر بینوایان را در تئاتر کشور چگونه می‌بینید؟

قانونی شود پیش‌بینی کرد، اما وقتی شور و اشتیاق دیده شود. بی‌تأثیر نیست، کم‌ترین تأثیر اجرای بینوایان مسئله نوآوری گروه، نظم و انضباط و اجرایی کاملاً حرفه‌ای است که مورد توجه مخاطب و مسئولین قرار می‌گیرد. ... در پایان ...

خوشحال هستم که مردم این کار را می‌بینند، بینوایان در مورد اعتلای انسان است. داستانی جذاب و پیامی کاملاً فرهنگی برای جامعه دارد، چگونه آدمی می‌تواند به حقیقت ذلت برسد و سپس به اوج دست یابد. برای رسیدن به این اوج چیزی جز نیروی اخلاقی به کمک او نمی‌آید.